

کښی په کار واچوی .

د شوروی د خصوصی عملیاتی قوه هغه قوه ده ، په کومه کې چې ملیشیا پوځ هم استعمالیږي ، دغه ملیشۍ ته دا وټیل شوی دی چې هغوی ته چې هرڅه د مجاهدینو د قافلې د سپلاوي څخه په لاس ورځي نو هغه به دغه ملیشه اخلي . د مشترک پوځ مسلسل استعمال چې په پیره لویه پیمانه په کار اچولی شوی دی دا پوځي قافله خپل خوراک به خپله د خان سره گرځوي . د لیاری په غاړه ماینونو په ځمکه کښی پخول همیشه د عملیاتی قوې په واسطه سرته رسول شې ، هیلیکاپترونه او لری ویشتونکی توپونه هم په دې کښی شامل دي . روسی هیلیکاپترونه په لویه پیمانه اکثر په منظمه طریقه استعمالیږي . دا عملیات د غیبی له خوا چې نور پوځ په کښی هم شامل وي ، کیږي . د دې جنگي چالونو فعالیت چې په دې جگړو او حملو کې لیدل شوی دی د دوی سره په پیر لوی تعداد ماینز پخونکی خلک او کلو تپاه کونکي ، هوتلونو ، کویان او د کرنې د نسا بودی جاری پر مخ وړي . هغوی په دې کښی هم برخه اخلي چې مجاهدینو د رادننه کیدو لاری بند کړي . برسیره پر دې چې په دغه کار کښی روسی عکس په خپله برخه واخلي ، او یا د امریکایی او چینایي عسکرو په طریقو په هوایی قوه یعنی د الوتکو په واسطه د راداخلیدو خلاف مقابله وکړي او لیاری بندی کړي .

د شورویانو د خصوصی عملیاتو قوه دواړه سواره او پیاده د افغانستان د سرجدونو په غاړه او خوا وغا د ۱۹۸۲ را په دې خوا عملیات کوي او بیا خصوصاً د ۱۹۸۴ را په دې خوا خو بیخي ډیر عام شوی دی . د دشمن د چال جن او سپلاوي لپاره ، باالخصوص د ترانسپورت وسائل بندول د شورویانو (۳۴ مخ)

اهمیت سوق الجیشی واخان

آغاز سخن :

ست ترازى شوروى بر افغانستان در ۱۹۷۹ ، و گزارش الحاق دهلېز واخان به شوروى در سال ۱۹۸۰ اوضاع سوق الجیشى منطقه را تغییر داده است . واخان زمین باریك کوهستانی ، ولایت بدخشان ، در شمال افغانستان واقع شده ، و بطرف شرق امتداد یافته و با جمهوری مردم چین متصل می شود . دهلېز واخان در حدود ۳۰۰ کیلو متر طول دارد . عرض آن در تنگ ترین منطقه ۱۰ کیلو متر ، در وسیع ترین به ۶۰ کیلو متر میرسد . به " زبان واخان " و یا از رهگذر ساختمان جغرافیایی به " دهلېز واخان " نیز شهرت دارد . واخان از طرف شمال به ترکستان روسی ، مشرق سنکیانگ چین ، و از جنوب به پاکستان محدود است . و از طریق يك رشته گذرگاهها و کوتل ها با کشورهای یاد شده می پیوندند . مهمترین این گذرگاهها عبارت اند از اندمان دوان و چمن شور در شمال ، واخجیر در شرق ، بروغیل ، درواز ، کان غین ، اوچلی و شاه کلوخ در جنوب .

واخان منطقه كوچك و كم نفوس است. آب و هواى آن نامرغوب و از نگاه اقتصادى و اجتماعى انكشاف ننموده. استولى از روزگاران قديم، از اهميت مهم سوق الجيشى و بازرگانى برخوردار بود. در قرون اولسى شاهراه معروف ابريشم از بين دهليز عبور مى نمود. (اين شاهراه كه از شهر هاى صور و صيدا فنيقه قديم شروع مى شد و تا چين امتداد مى يافت ۷۰۰۰ كيلو متر طول داشت نراز ترين راه زمينى جهان قديم به شمار ميرفت و وسيله ارتباط بين جهان غرب و كشور هاى خاور زمين را فراهم مى كرد. مترجم)

راه واخان در قرن ۱۵ و ۱۶ ميلادى، يعنى پيش از كشف راههاى بحرى اهميت فراوان داشته. ولى بر اثر گسترش راههاى آبي و هوايى دوران جديد، و انكشاف هاى سياسى اسياى مركزى در قرون ۱۸ و ۱۹ بعنوان يك منطقه حائل بين كشور هاى همجوار از اهميت بخصوص برخوردار گرديد گزارش هاى مبنى بر الحاق واخان به اتحاد شوروى، بار ديگر اهميت سوق الجيشى اين منطقه را بر سر زبانه انداخت و بپيرامون امكانات چنين اقدام يك سلسله سوالهاى را بپيچان آورد.

برين مضمون تلاش بعمل آمده تا اوضاع جغرافيايى و بر منظر تاريخى واخان تحليل كند، انگيزه هاى مهم جغرافيايى، سوق الجيشى و رويداد هاى كه بر آن اثر مى گذارد فيصله كه در مورد آن بعمل آمده، و اثرات را كه بر پايه گزارش ها به شوروى الحاق گرديده، ارزيايى نمايد.

ساختمان جغرافيايى

واخان افغانى بين ۲۱ - ۵۰ دقيقه تا ۷۰ درجه ۵۰ دقيقه طول البلد

شرقی و ۲۶ درجه ۳۵ دقیقه تا ۳۷ درجه عرض البلد شمالی واقع شده است
 يك رشته کوههای مرتفع دنیا درین جا با هم تلاقی می نمایند مانند
 کونلون، نیا نشان، قراقرم و هندوکش. همچنان دریا های سه گانه
 پامیر، واخان و امو "جیحون" ازین جا سرچشمه میگیرد. دریای امو
 که سرحد طبیعی افغانستان و اتحاد شوروی را تشکیل می دهد از طرف شمال
 از غدیر زرکول "ویکتوریا" منبع می گیرد. غدیر پانصد ۴۱۳۰ متر
 ۱۲۶۰۰ فٹ از سطح آب ارتفاع دارد. دریای امو در حدود ۱۰۰۰ کیلومتر
 سرحد مشترک افغانستان - شوروی را تشکیل میدهد پس بسوی جنوب جریان
 می یابد و در گازخان با روخانه امو یکجا می شود. دریای سرحد که
 نسبت بدریای امو بزرگتر است از دریاچه چقمیتن "دریاچه پامیر خورد"
 که ۴۲۰۰ متر ارتفاع دارد سرچشمه می گیرد و دهلیز واخان را از پامیر
 افغانی جدا می سازد.

واخان در جنوب با سلسله کوههای هندوکش محاط شده، چنانکه دهلیز
 باد شده را از پاکستان علیحده می سازد. بروغیل یگانه کوتل مشهور
 هندوکش است که ۳۸۰۴ متر ارتفاع دارد به چترال و قسمت علیای وادی
 سند با پاکستان می انجامد. باین صورت واخان افغانی از دو قسمت
 تشکیل شده، دهلیز واخان "گره پامیر" یا پامیرات افغانی. این
 تقسیمات بر اثر اختلافات ارتفاع ساختمان آب و خاک صورت گرفته است.
 دهلیز واخان منطقه پست و پامیرات افغانی منطقه مرتفع این سرزمین را
 تشکیل میدهد. پامیر افغانی بدو قسمت فرعی تقسیم می شود که
 در شمال پامیر بزرگ "پامیر اوندیری Pamir Onderi" در پامیر خورد
 اکول اوندیری "Aqul Onderi" نام دارد. سلسله کوههای واخان

عامل اصلی تقسیم پامیرات به‌صورت می‌رود. کوتل و اخجیر که در پامیر خورد واقع شده به سنکیانگ چین راه می‌یابد.

منطقه زراعتی واخان در بخش واخان افغانی واقع و امکانات زراعت را میسر گردانیده است. ارتفاع آن در پوتر قسمت مغرب ۲۷۷۰ متر و در شرق سرحد به ۳۴۰۰ متر بالغ می‌گردد. درین منطقه جنگلات می‌روید، ریزش‌های بزرگ وجود دارد، لجن‌زارها با گیاه پوشیده شده، کشت‌زارها و بیابان‌ها و کوه‌ها دیده می‌شود. اکثر بخش‌های این منطقه دستخوش باد "هولناک واخان" قرار می‌گیرد. باد یاد شده در تابستان توفان‌ریز و خاک‌بر می‌انگیزد و بعدت‌سرمای زمستانی می‌افزاید. اوضاع گرما و سرما بصورت ناگهان تغییر می‌کند. فصل بهار و تابستان که نواحی‌های سرسبز و شاداب می‌باشد کوتاه است و از می تا اگست دوام می‌نماید. در تابستان درجه حرارت بین ۲۸ درجه فارنهایت "۹ درجه سانتی‌گرید" و در زمستان منفی ۶ درجه فارنهایت "منفی ۲۱ درجه سانتی‌گرید" نزول می‌نماید. مقدار باران سالانه از ۴ اینچ کمتر ثبت گردیده ولی قله کوه‌ها با برف‌های دایمی پوشیده شده است. با چنین وضع اقلیمی نبات به پیمان محدود می‌روید مانند لوبیا، جو، جواری، تنباکوی زرد، الیاف کتان، یونجه و غیره. در قسمت فلی قلعه پنجه مقدار کم گندم سفید زراعت می‌شود. اپریل ماه کشت‌کاری و جولای موسم خرمن برداری است. مردم واخان سبزی نمی‌کارند، ولی به جنگل‌داری علاقه مندند، درخت بید و قان تا قلعه پنجه می‌روید. درخت عرعر در امتداد رودخانه سرحد نشونما می‌نماید و جنگل انبوه سبیدار در سراسیم‌های خندور (ص - ۳۲)

آرون تری هب

مخالفت مردم شوروی با نبرد در افغانستان

خلاصه مطلب : هفته گذشته پراودا نامه های خوانندگان را درباره مقالات گذشته در مورد جنگ در افغانستان و مشکلات عساکری که به وطن بر می گردند زیر بحث قرار داد . درین نامه ها نوشته شده که مخالفت مردم با نبرد در افغانستان روز به روز اوج می گیرد زیرا مردم شکایت دارند که پسران اعضای حزب کمونیست شوروی از خدمت عسکری در افغانستان مستثنی قرار داده شده اند .

از اوآنیکه میخائیل گورباچف به قدرت رسیده ، نظریه " عدالت اجتماعی " بحیث یک موضوع پژوهشی و بحث انگیز در مطبوعات شوروی قرار گرفته است . نویسندگانیکه برای اعتراض و ایراد بیانیه ها پیرامون این موضوع تعیین شده از کارگر عادی گرفته تا مأمورین عالی رتبه دانشمندان و ماهرین اقتصاد میباشند . اکنون سیمینار " عدالت اجتماعی " رشته اقتصاد را نیز دربر گرفته است . بطور مثال آیا این عزم آور است که بیشتر کمائی کنیم ؟ تا چه اندازه بر دیگران استوار

باغیم ؟ آیا تجار انفرادی تنها نمونه توصیف ، تشویق و کارفرمایی اند یا آنها تباه کنندگان پول و ناظرین بی کفایتی اند که توجه بیشتر شان به وضع نابامان اقتصاد شورویست و میخواهند چرخ اقتصاد کشور را به نفع خویش بچرخانند ؟ طی این سیمینار نقاط و موضوعات مهمی در زمینه امتیازات اعضای حکومت شوروی و پسران شان تحت غور قرار گرفت . با وجود نظریات و اراء وسیع و مختلف درین موضوع ، اشتراك کنندگان به يك توافق کلی رسیدند . که عبارت است از عدم رعایت عدالت اجتماعی از طرف مامورین مشول شوروی که در سالهای گذشته با عث مخالفت مردم شوروی شده است و اخیراً يك حالت وخیم و دشوار را بار آورده است که گورباچوف آنرا بپذیرفت .

موضوع عدالت اجتماعی اکنون به جنگ افغانستان پیوسته و این ارتباط به وضوح آشکار است . نامه نیکه هفته گذشته در براودا بنشر رسیده در آن يك کارگر مسکو در باره افواها عامه متذکر گردیده که پسران مامورین حزب کمونست شوروی توانستند تا خویشتن را از خدمت عسکری در افغانستان برکنار نگهدارند . کارگر باویل روداکوف میگوید که " دربین همشریان گفته میشود که شاید جنگ در افغانستان تا این اندازه دوام دار نمیشود قبلاً به پایان می رسید مشروط بر آنکه فرزندان رهبران حزبی و دانشمندان شوروی دوش بدوش فرزندان کارگران و دهقانان به افغانستان اعزام میشدند . " يك صاحب منصب ارتش منك در پاسخ این نامه روداکوف می نویسد که مامورین عالیرتبه حزب کمونست شدیداً تقاضا می کنند تا فرزندان شان از خدمت عسکری معاف شوند و در اوضاع وخیم به مرز هائیکه نزدیکانه های شان است اعزام گردند .

صاحب منصب مذکور می افزاید: بهر حال فشار بر سر این موضوع سال جاری تا اندازه کاهش یافته " البته او نمی گوید که چرا " و بر حقیقت فرزندان اعضای حزب به خدمت عسکری در افغانستان اعزام می گردند. اگرچه وی یاد آور شده است که فرزندان مامورین کلتوری بطور عموم خدمت عسکری را طوریکه لازم است اجرا کرده نمیتوانند.

این اولین بار نیست که مطالبه " مامورین عالیرتبه حزبی مبنی بر معاف شدن پسران شان از خدمت عسکری در مطبوعات مرکزی بمیان آمده است. در ماه جولائی ۱۹۸۶ روزنامه نظامی "کراسنایا زیوردا" نوشت که مدیر مسئول جریده "سویتسکی ازبکستان" از سمت ماموریت خود سو استفاده کرده و امر اعزام پسرش را به افغانستان، به جای دیگری که کاملاً مضمون بود تعدیل نموده است. ماه گذشته در مقاله دیگری که در "لپتریچرنیا گزیتا" به نشر سپرده شده، نویسندگانی "کمیلخوف" شکایت نموده است که پسران و نازپروردگان نویسندگان، اعضای کلتوری و مامورین عالیرتبه دولتی برای جنگ در افغانستان به صفوف عساکر شوروی معرفی نشده اند، و باید این موضوع تحت بازرسی قرار گیرد.

با وصف تذکرات فوق در باره این کمعکس، نامه "روداکوف" نامه ایست که برای اولین بار در مطبوعات مرکزی شوروی به نشر رسیده است البته نه به آن برجستگی و در حقیقت ناممکن است که پاسخ قانع کننده یی از طرف حکام منسک ارائه شود تا شعله های خشم مردمی را فرو نشاند.

مطالب جالبیکه از مقاله روداکوف منتشره اوایل سال جاری اقتباس گردیده نمونه ایست از گفتنی ها و نظرات خوانندگان پیرامون افغانستان

که در حقیقت بازگو کننده "رویه" زشت و ناهنجار مامورین دولتی و -
 سکنه بعضی از شهر های شوروی نسبت به عساکریست که از افغانستان
 عودت نموده اند . اگرچه این مضامین از اثر " گلاسوت " که در حقیقت
 نوعی از اشعار است و گورباچف آنرا می پسندید برای مدت یکسال در سال
 ۱۹۸۴ هنگامیکه کونستانتین جیرنکوف جانشین یوری اندری پوف سرمنشی
 کمیته مرکزی حزب کمونسٹ گردید انتخاب شده بود .

آنچه درین اواخر بیشتر بر سر زبانهاست ، مخالفت و عدم قناعت
 مردم شوروی با نبرد افغانستان است . مضامین سالیان گذشته اکثراً با
 چند سطر بر مسرت و امید افزا به پایان میرسید ، عساکر مجروح دردناک
 مربوطه خویش تا اندازه یی قدر و قیمت داشتند و يك اہارتمان يك
 منزله و يك چوکی ارا به دار برایشان بخش داده میشد و مجدداً به
 محاذ جنگ اعزام نمی شدند ، که این وضع اکنون بکلی دگرگون شده است .
 متن نامه هائیکه در برارودا به نشر رسیده يك سلسله موضوعات لاینحل
 و نظریات و اعتراضات مردم بیرامون جنگ افغانستان و نتایج حاصله
 از آن^۱، مورد بحث قرار داده است . جالبتراینکه حتی دستگاه حاکمه
 سعی می ورزد تا نبرد افغانستان را با برخی از صحنه های نبرد وطن
 پرستانه روس با المان نازی یکسان نشان بدهد . یکتن از ناظرین نبرد
 المان و روس می نویسد که تشابه بین او دو نبرد بکلی عاری از عقل
 و منطق است . برای من نظریه او کاملاً واضح است که اغتعال و علاقه نیکه
 عساکر روسی در نبرد با المان نازی یا ان موضوع تاریخی از خود نشان
 داده اند در جنگ افغانستان توقع ان نباید برده شود .

چه درد انگیز است اینکه وی - جی - ایوتوخ معاون اول رئیس شورای

(ص - ۳۹)

نیروهای کوهستانی مجاهدین

بعد از هفت سال مداخله نظامی شوروی در افغانستان
مارك اوربن موفقیت های نظامی هردو طرف را ارزیابی
می کند

درین اواخر که هفتمین سالگره مداخله نظامی اتحاد شوروی تقبیل
میگردید با شکستن محاصره خوست توام بود . منابع کابل می گفتند که
قوای رژیم کابل و شوروی موفق شده اند با کثودن راه کوهستانی و
صعب العبور خود را به خوست برسانند .

هفت سال تمام ، راهی که از خلال کوتلها و صخره ها به خوست
امتداد یافته ، از طرف مجاهدین مسدود بود و اکمالات قطعات مستقر در
خوست تریعه هوا تامین می شد زیرا فرود آمدن هواپیما ها در خوست
نظر به اینکه مجاهدین ، راکت زمین به هوای ستینگر امریکایی در
اختیار داشتند ، مقرون به خطر بود .

اگر مجاهدین در اشغال خوست ناکام گردند و این چندمین بار است
که برای اشغال خوست اقدام کرده اند ، در آن صورت ، برتری ورجحان
شان بر نیروی نظامی رژیم کابل مورد سوال قرار خواهد گرفت .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

افغانستان



مطبوعات جهان

حوت ۱۳۶۶ - جمادى الاخره ۱۴۰۸ - فروری ۱۹۸۸

سال دوم

شماره دوازدهم



عکس : مجله الانصاف
دبئی

بتاریخ ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹، قوای هوایی شوروی، نقاط حساس را در کابل اشغال و حفیظ الله امین رهبر مرتد رژیم مارکستی را کشت و حکومت جدیدی را رویکار ساخت. سالهائی که بدنبال این تغییر آمد هزاران تن جان خود را از دست دادند و میلیونها تن به کشور های بیگانه مهاجرت کردند.

در کنفرانس سران منعقد و اشنگتن، این امید وجود داشت که در اثر مذاکرات قوای اتحاد شوروی که به اساس منابع غرب، تعداد آن به یکمیدو پانزده هزار تخمین زده می شود، از افغانستان خارج خواهد گردید. مع هذا میخائیل گورباچف، زعيم شوروی علاقه مندی جدید خود را به اخراج سربازان آن کشور از افغانستان که مغیر سیاست کریملین در طی هشت سال گذشته شمرده می شود، بار دیگر ابراز کرد. در اثر جدیدش بنام پریس تورویکا Perestorika گورباچف ابراز عقیده می کند " ما میخواهیم سربازان ما هر چه زودتر به وطن برگردند " او برین اثر اضافه می کند که مداخله نظامی امریکا، خروج سربازان را به تاخیر انداخت و به این ترتیب حل مساله افغانستان را بصورت مجموع دچار اشکال نمود.

این بیانات با تبصره ای که در روزنامه پراودا نشر شد با هم چندان تفاوت ندارد. در شماره تاریخی ۳۱ دسمبر ۱۹۷۹ روزنامه موصوف آمده است که " قوای محدود اتحاد شوروی، تنها از مداخله خارجتی در افغانستان جلوگیری بعمل خواهد آورد ".

سپس این روزنامه علاوه می کند: هنگامیکه در افغانستان شرایطی که سقبات قوای اتحاد شوروی را ببار آورد، برطرف گردد، قوای

شوروی ازین کشور بلا فاصله و کاملاً خارج خواهد شد .

میخائیل گورباچف هم پیمان خود را در کابل ، تحت فشار گرفت که با ترکیب حکومتی موافقت کند که ابعاد وسیع حمایت داشته باشد و بقای خود را موقرانه تضمین نماید . علایمی دال برین امر که " بنیاد گرایان " با ترکیب چنین حکومتی موافقت کنند وجود ندارد ولو که ارسال سلاح معلق به ایشان کاهش یابد . اخراج قوای شوروی در طی چنین شرایط یقیناً به قتل عام کمونستهای افغانستان ، که در طی این مدت ، عامل بیداد گریها و کشتار ها بودند ، منجر خواهد گردید و طوریکه رسانه های گروهی شوروی ادعا کردند ، مجاهدین داخل خاک شوروی را زیر آتش گرفته و در نتیجه دهکده های سرحدی افغان و شوروی را به خاک یکسان ساختند .

آنانیکه به گورباچف نزدیک هستند ، شاید اعتراف کنند که مداخله سربازان شوروی به افغانستان يك خطای فاحش بوده ولی این اعتراف مفهوم انرا ندارد که روسها به هر قیمتی باید از افغانستان خارج شوند .

سال گذشته گورباچف ، متعاقب اشغال قدرت ، در ولادی وستوک بیاناتی در رابطه با عادی شدن روابط شوروی و چین ایراد نمود و حرف های در ارتباط با تحسین مناسبات دو کشور و موضوع افغانستان بر زبان راند . در سرحدات جمهوریت مردم چین ، نسبت به افغانستان سربازان و ادوات جنگی رورده مرتبه بیشتر متمرکز است . اگر از تعداد این قوا مقداری کاهش یابد ، کمک بزرگی به اقتصاد شوروی شمرده خواهد شد . برای گورباچف ، مخصوصاً در شرایطی که اتحاد شوروی با ایالات

متحدہ امریکا در مورد کنترول سلاح لچنه میزند ، موضوع افغانستان در واقع امر یک قماربزرگ به حساب میرود . از طرف دیگر ، فیروزیهای محاربی مجاهدین نسبت به میدان جنگ ، در مطبوعات دنیای غرب جزو اساطیر جالب و محبوب گردیده است .

مجاهدین تاکنون نتوانسته اند کنترول کامل خود را از سال ۱۹۷۹ که قیام عمومی افغانها آغاز گردیده بر مراکز ولایات افغانستان ، قایم نمایند . هرچند که بارها درین مورد کوششهایی بعمل آمد . از سال ۱۹۸۰ بدینسو مجاهدین نتوانستند یکتن از زعمای رژیم کابل را ترور کنند ، ولی انفجارات بمب در بین موترها در کابل صورت گرفت و از مسافه دور شهر با راکت مجاهدین آسیب دید .

روسها همینکه در خاک افغانستان قدم نهادند ، از یک استراتیژی مهم پیروی کردند و آن عبارت بود از اشغال نقاط حاسر و راه هائیکه به کابل وصل میگردد . شهر کابل یکی از نقاط مهم استراتیژیکی به شمار میروید زیرا بگونه عصب بزرگ با سرحدات اتحاد شوروی مرتبط می گردد .

در سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ ، یک سلسله عملیات بزرگ علیه مجاهدین در پنجشیر که شاهراه بین کابل و سرحدات اتحاد شوروی را تهدید میکردند ، صورت گرفت . امنیت سرحدات طولانی با پاکستان بمهد قوای رژیم کابل واگذار شده است . یک قسمت اعظم راه های کشور مخصوصاً در ناحیه مرکزی افغانستان ، خارج از نفوذ روسها و تحت کنترول مجاهدین قرار دارد . روسها هم بهتر دیدند از اشغال این مناطق بپرهیزند و تنها از خود دفاع کنند . (ص - ۴۱)

فاجعه

مصاحبه با سرباز فراری شوروی

س- چطور؟ مگر در افغانستان تنها اردوی شوروی می جنگد؟ کارهای اردوی افغانستان چگونه بود؟

ج- هر قدر آنها را می دیم از روی دوستی بود.
س- این عمل دوستانه زیاد بود؟

ج- این عمل دوستانه به این معنی که در وظایف نوبتی محاربوی چند سرباز اردوی افغانستان با ما یجا می شد. اکثرآ این ها باقی جزوتسام هایی بودند که قادر به عمل و یا عملیات مستقل نبودند.

س- چرا باقیمانده؟ دیگرها چرا فرار کردند؟

ج- این مسئله را واقعا من نمی دانم، می دانم که آنها همیشه کم بودند و آنها ما را به جلو می کشاندند و خودشان از عقب برای ما مزاحمت می کردند، آ. اکثرآ ما را عصبانی می ساختند.

س- شاید آنها همیشه کار شکنی می کردند؟

ج- نخیر. آنها بالای هموطنان خویش بسیار جدی انداخت می کردند. ولی عجیب به نظر می آمدند. یا برای من همینطور. معلوم شد ... بطور مثال، در نزدیک سرحد افغانستان و پاکستان در طول راه بایگاههای رژیم برها گردیده بود که در آن غارندویان هم وجود داشتند. آنها

عموماً به مردانی بودند که دستارهای کلان بر سر زده بودند و موی های سفید و ریش های ژولیده داشتند و به پدر کلان می ماندند . و در نظر اول نمی توان گفت که این ها را از کجا آورده بودند ؟

من - شما چه گفتید در وقت بدرقه و حمایه قطارهای موتر و آیا کدام وقتی همراه مامورین یا صاحب منصبان دولت افغانستان تماس با زندگ^{گرفته}ی کرده باشید ؟

ج - قطار ها همیشه افغانی نبودند . بگان وقت قطارهای کار های تحقیقاتی روس ها را هم حمایه و نگهبانی می کردیم . آنها معادن قیمتی را تحقیق می کردند (مواد سوخت را) که از طرف افغان ها به کابل آورده می شد و هم نگهبانی می گردید ... نماینده های دولت بصورت عمومی بواسطه لباس تفریق می شدند . خود را از مردم محل قطلاق ها نمی دانستند ...

عموماً افغان ها بسیار ساده می پوشیدند ... ان ها بتو می گیرند . يك قسم كمبل نازك پنبه ای بود ، آنها از بتو در هر مورد استفاده می کنند . عموماً پاکی و صفائی برای شان انقدر مهم نیست . ازین روپوش یعنی بتو در هر مورد استفاده می شود . به حیث سرمیزی یا فرش که برای انداختن اشیا در سرك هموار می شود ، و هم برای استراحت ، آنها به قسم كمبل از آن استفاده می کنند ، در وقت نماز به قسم جای نماز نیز از آن استفاده می شود . شيك پوش ها ، شيك پوش های محلی در شرایط افغانستان کرتی می پوشند همین طور که در این جا به نام کرتی های فنلندی یاد می شود ... ولی ان جا خصوصاً در قطلاق ها ، از لباس های اروپائی دوری می کنند . مامورین دولت یا بیروکرات هایی که در قریه می آیند ، همراهی لباس های خود همراهی طرز و روش خود يك جسم بیگانه اند (البته در بین

مردم دهقان کار قریه)

س - برخورد و ارتباط اعضای حزب و مامورین دولت همراهی عساکر روسی
چطور بود ؟

ج - تماس ها همراهی يك ديگر محدود بود . مانع لسانی بود و از جانبی
چنان تحت تاثیر ما بودند که گوئی ما برای آنها حیثیت يك پسر را داریم
و یا برای ان ها مثل آم های بیل و ترسناك (دیوها) بودیم و ان ها
به خوشان جرات زیاد نمی دهند و همراهی افراد اردوی روس هیچ وقت
بیش از مد خصمانه (دشمنانه) نمی کردند زیرا ان ها بدون ما زندگی
کرده نمی توانستند .

س - معلوم شد که ان ها یقین ندارند که بدون شما بیخطر باشند ؟ آنها
از کی می ترسیدند ؟ آیا از مردم ترس داشتند ؟

ج - واقعا ، آن ها نمی توانستند بیش از پیش بدانند که از کدام جا
مورد حمله قرار می گیرند . مردم همراهی آنها بخاطر همکاری ارتباط نسه
گرفتند ، در هر قریه ، خود افراد مسلح داشتند ، و آنها به قم نمایان
و یا به قم مخفی کار می کردند .

س - شما هم این مبارزین راه آزادی را دیده بودید ، چطور آنها مسلح
بودند ؟

ج - مبارزین آزادی ، در افغانستان آن ها را به نام مجاهدین یا مسی
کردند . آن ها بطور عمده همراه تفنگ های خراب کهنه چقماقی و یا
کلاشینکوف مسلح بودند .

س - سلاح های خراچی هم داشتند ؟

ج - یگان نفر از مجاهدین اتومات های خارجی و مهماتیکه امریکائی

و مصری بود گرفته بودند . من خودم عصا ندیدم اما باور دارم که افغانها سلاح های خارجی هم دارند .

س - به چه ترتیب اتومات کلاشینکوف به دست افغانی ها افتاد ؟
ج - البته ، آنها بالای دیپو های دولتی شبیخون می زدند یا از کشته شدگان به غنیمت می گرفتند . سلاح ها به دست مجاهدین به سادگی می افتاد و یا به کمک تجار سلاح به دست می آوردند . بعضی اشخاص علاوه بران در برابر تامین نیازمندی های خود اسلحه خود را می فروختند ، زیرا در وقت بی نظمی می توانند که به خاطر ناپدید شدن سلاح خود دلیل های مختلف بیاورند .

س - در مقابل چه چیزی می توان از افغانی ها گرفت ؟
ج - به طور اساسی اشیای خوراکی . زردآلو ، خربوزه ، مالتة خلاصه میوه های مختلف ... معمولاً خوراکه ها حتی نان خشک می گیرند ... البته این میوه جات را تنها در مقابل سلاح نمی گرفتند بلکه یگان دفعه در وقت عبور کردن غارت می کردند ... ولی مردم این را مثل عمل حتمی قبول کرد ، اند ، و اکثر اوقات خودشان بدون کدام فشار ، می دادند ... بهاری کوش می کردند که از افغان ها چرس ، تریاک و دیگر مواد مخدره دریافت کنند البته این عا کر ، اکثرآ از اسهای مرکزی بودند .
س - آیا تو هم آزمایش کردی ؟

ج - برای من وقت نبود که دلچسبی به مواد مخدره پیدا می کردم . من هرگز کوش نکردم که به الکول علاقه پیدا کنم . من بسیار شرط ها را برم : از خاطریکه نه الکول می نوشیدم و نه سگرت می کشیدم . این عادت مضر است که از ضعیفی و بی ارادگی دامن گیر مردم می شود . همینطور

بود که کوشی برای استعمال کردن آن ها نکردم .

س - بدین صورت برای تو يك هرابلم وجود داشت که اوقات فراغت خود را چطور بگزرائی بلی ؟ چطور برای شما این کار را سا زمان می دادند ؟ چه طور غمخواری می کردند بطور مثال در باره * مایل کلتوری عا کر اردوی روسی چه می گویی ؟

ج - استعمال مواد مخدره يك مرغراست ، و به گذراندن اوقات بیکاری کدام ارتباط ندارد . لیکن در افغانستان عموماً در قمت اوقات فراغت کدام اقدامی نکردند . ما کوشی کریم که در هر دقیقه * فراغت استراحت کنیم ... آمرین ، هم همینطور بیکار بودند ، تا وقتی که آن ها از اختلالات فکری ناشی از نوعیدن الکول سرد و آرام می شدند این بود تفریح اوقات فراغت آن ها ، واقعا در افغانستان برای ما نه کدام سینمایی بود و نه کدام کتابی يك دفعه در کابل کنسرت صورت گرفت که من هم در آن اشتراک کردم ... ولی برای من کدام روحیه نداد ولی کمی سرگرم کننده بود ... حتی بیشتر احساس خشم و تلخی می کردم . من از افغانستان به سرحد مرگ متنفر شدم .

س - کی ترین کنسرت چه گرفت ؟

ج - انسابل روسی به نام (گیتارابی) این کنسرت در ماه سامبرهارسال بود در آن وقت چند ماهی از عسکری من در افغانستان مانده بود و يك وضع تحمل نا پذیری برایم رونما گردید . این انسابل يك نوع احساسات حسانت و خشم مرا بیدار ساخت . مثلیکه آن ها برای این آمدند که بالای ما ریشخند بزنند و خنده کنند . موزيك آن ها برای سرگرمی و تشویق کردن ما ، برای مبارزه و جنگ بود . بعداً آن ها به راحتی به طرف مـکـو

خزیدند . همین طور ان ها باید در جنوب افغانستان کنسرت می دادند و لی آنها واقعا ترسیدند نخواستند بروند از خاطریکه فهمیدند سفرشان بر آن جا ختم خواهد شد .

س- می توانم سوال کنم وقتی که شما در افغانستان بودید خاطره نسی دارید که دیگر نمی خواهید بیاد بیاورید ؟ بود اینطور واقعه که حتی می خواهید آنرا فراموش کنید ؟

ج- بلی البته اینطور زیاد بود . انرا نمی توانم فراموش کنم و در آخر امر امکان ندارد که فراموش گردد . آنها باید در خاطره باشد . و دیگر ها هم باید در باره همین بدانند . . . البته ، آنها برای من بسیار فطرات بدی است واقعا آنها مرا همیشه آزار خواهد داد . در باره ان ما تمام مردم باید دانسته باشند و واقعه نسی رخ داد که متقیما نزیبک ما متعل با من بود .

مقصم این است که عملیات های مختلف در مقابل افغانها صورت گرفت اکثرا ما بالای مردم صلح دوست و یا مردم های بی دفاع و بی طرف انداخت کریم عموما در ان قریه که هنوز عساکر اردوی روس در آن جا نرفته بود و قدرت دولتی در آنجا نبود . تمام کسانی که در مقابل ما یا در راه ما می آمدند از بین برده می شدند . خصوصا در بهار سال ۱۹۸۲ وقتی که ما به جنوب افغانستان رفتیم برای من وحشتناک بود . بعد از هر حمله بالای دیپوها و یا بالای پایگاه ما ، قریه بی را که مورد اشتباه بود تحت حمله قرار می دادیم .

س- حمله بالای اردوی روس زیاد بود ؟

ج- بلی اکثرا واقعه می شد ، و نه فقط بالای پایگاه ما بلکه بالای (ص - ۴۵)

افغان یا کمونسٹ

مردم جهان هر آنچه در مخيله می پروراندند ، ولی مجاهدین بایمن باورند که اتحاد شوروی مملکت آنان را ترك نخواهد نمود و تمام وعده های شوروی نروغ است و صحت ندارد . شوروی ها باندك اغاره ملك اوشان را لگد مال خواهند کرد . شوروی هار افغانستان سرمایه گذاری هنگفت نموده و ابعاً می کنند که آزادی آنان را تامین می نمایند .

مجاهدین به آزادی منطق عقیده دارند و مفکوره حکومت اشتلافسی را در کابل مردود می شمارند . در قاموس مجاهدین کمونزم يك عقیده سیاسی نیست ، بلکه واژه ای است در جهت سیطره شوروی . یگانه حکومتیکه در کابل مورد پذیرش آنان قرار دارد همانا حکومت خالص اسلامی است .

اصول همین است ولی مجاهدین گمان نمی کنند که شوروی ارزو های آنان را برآورده سازد . مردم دنیا متوجه علاقه مندی واقعی گوریاجف به اصولی است که او اعلان کرده و یا به نیروی وابستگی دارد که در کریملن در اختیار اوست . ولی ترین امر هیچ شك و تردیدی وجود (ص - ۵۰)

نہشتنج

مطبوعات حقیقت

از انتشارات کانون ترجمہ آثار جہاد افغان

نثر: ابرار شمس الدین کلمات جباری کرم اللہ تعالیٰ علیہ وسلم

مدیرمسؤل: پروفیسر دکتور سید محمد یوسف علی

ادرس: پتیکس 417 R.P.O.

وجہ اشتراک سالانہ

نما و حساب انجی 849
حبیب بانک لیتد
پشاور گنت
پاکستان

در پاکستان ۲۰ روپیہ
در خارج ۱۰ ڈالر
قیمت فنان ۶۴۷ روپیہ

پاسخ تازه به يك ...

ديگر ، و يك رژيم دست نشانده در افغانستان ، روى كار خواهند آورد و به اين ترتيب ، در امتداد جمهوريت هاى مسلمان آسياى ميانه شوروى كه سخت حساس شده اند ، حايلى ايجاد خواهند نمود ، ولى از طرف ديگر پرستيز اتحاد شوروى در سراسر قاره آسيا و مخصوصاً در آسياى ميانه مورد سوال بود . روسها حاضر نيستند ، به سادگى عكست خود را اعتراف كنند و سربازان خويش را از افغانستان خارج و خطر يك انفارشى را پشت سر خود باقى بگذارند . آنچه آنان ميل دارند ، استقرار يك رژيم دوست و مطمئن در كابل است .

يكى از اهداف عمده سياست شوروى اين است كه با دقت و احتياط تمام چهره حكومت كابل را به حيث يك رژيم مترقى كه مشتاق و هوا خواه صلح است ، در بياورد . چنانچه امسال (۱۹۸۲) به نفع رژيم كابل ، فعاليت هاى جدى صورت گرفت و همدردى اين رژيم را در برخى حلقه ها برانگيخت . در نظر اكثر كشور هاى نهضت عدم انكلاك مخصوصاً جهان سوم معمولاً ، افغانستان و برابرلم هاى آن ، جزيى و عادى تلقى گرديد . در خلال ۱۲ ماه گذشته ، رژيم كابل موضوع مصالحه مى و اتفق بس يك جانبه را به پيمانه وسيع تبليغ كرد .

دكتور نجيب الله در ماه سپتمبر به حيث رئيس شوراي انقلابى منصوب شد . ولى گفته شد كه اين عهده موقتى است در حاليكه منشى عمومى حزب چوكى رياست جمهورى را نيز محكم در اختيار داشت .

در حاليكه قانون اساسى جديد اختيارات زيادى براى دكتور نجيب قايلى شد ، وى در صدد افتاد از اين قانون ، در جهت تحكيم حاكميت حزب خود استفاده كند .

در نيمه ماه اکتوبر سال گذشته عده از اعضای کهنه کار حزب از قدرت بایین آورده شدند ، این اقدامات شامل اناهیتا رانسیزاد رفیقه ببرک کارمل و محمود بریالی برادر اندر او و سایر اعضای حزب از مناصب عالی حزبی از قبیل بولیت بورو و امثال ان بود . از وقتی که ببرک کارمل ، از مقام خود فرو افتاد ، این تصفیه ها ، پیشبینی می شد و مخصوصاً زمانیکه وی در ماه می به اتحاد شوروی فرستاده شد ، احتمال تغییرات بیشتر گشت .

دومین کنفرانس سرتاسری حزب دیموکراتیک خلق افغانستان اخیراً در کابل بعد از چندین بار تاخیر بتاريخ ۱۷ - اکتوبر دایر گردید . دکتور نجیب الله تاکید نمود که درون حزب حاکمه را انشعاب بازی تهدید می کند . وی دلیل آورد که رقبای تعقیم شده در گذشته نسبت به گوریلا ها زیان بیشتری به حزب رسانده اند . دکتور نجیب ادعا کرد که حزب دیموکراتیک خلق افغانستان ، اکنون ۱۸۵۰۰۰ عضو دارد بشمول يك هزار تن اعضای احزاب غیر کمونست که قسماً در کابل مستقر هستند و بعد از اعلام مصالحه ملی (که در سال ۱۹۸۶ - اعلان شد) به حزب حاکم ملحق شده اند .

تاسیس سیستم چند حزبه و اقدامات دیگر از قبیل اعلام اتقاییس یکطرفه ، از طرف تنظیم های هفت گانه مجاهدین در آستانه سال ۱۹۸۷ ، به شدت رد گردید . اتحاد هفت گانه تنظیم های مقاومت مجاهدین طرح مصالحه ملی رژیم کابل را يك فریب محض میخوانند و می گویند کابل هرگز تصمیم به تقسیم قدرت با ایشان ندارد . رهبران نهضت مقاومت افغانها از حمایت مردم در داخل کپور و پنج

میلیون آواره ای که در ایران و پاکستان بسر می برند ، کاملاً بسر خوردارند .

از همان آغاز مذاکرات غیر مستقیم بین افغانستان و پاکستان تحت سرپرستی نماینده سازمان ملل متحد ، ابعاً کرده اند که چون دو طرف درگیر جنگ افغانستان ، که عبارت از مجاهدین و اتحاد شوروی است درین کنفرانس شرکت ندارند ، لهذا مذکوره اشتراک در يك حکومت ائتلافی را که اکثریت قدرت بدست حزب کمونست باشد و این حزب در واقع امر جز عروسیکی بیش نیست ، رد کرده اند .

مساعی اینکه در کابل برای تحقق این مذکوره مبذول می گردد ، در حقیقت بیشتر از همه ، به منظور تامین حیثیت است نه چیز دیگر .
احزاب جدیدی که تاسیس شده است و می گویند از طبقات دهاقین و مذهبیون و امثال ان نمایندگی می کنند در واقع امر تظاهری بیش نیست و قدرتی در اختیار ندارند .

خود دکتور نجیب ، چندی قبل وقتی در باره تقویه ستراتژی رژیم خود ، صحبت میکرد بیان داشت که برخی از رهبران وطن پرست مذهبی امادگی نشان داده اند به تاسیس يك حزب اسلامی که از طرف ملاها اداره میگردد ، بهپردازند .
زعیم رژیم کابل همچنان به فعالان حزبی خود تاسیس يك سلسله احزاب دیگر را که در آنجمله حزب دهاقین — خواهد بود وعده داد ، این حزب ترکیبی از دهاقین کم زمین ، نمایندگان کوپراتیف های زراعتی و دهاقینی که بعد از کودتای شور ۱۹۷۸ صاحب يك ممت زمین شده اند ، خواهد بود .

رژیم در باره نوع حکومت ائتلافی مطالبی باز گفت . دکتور نجیب

اظهار داشت که حزب ديموکراتيک خلق افغانستان ، نقش رهبری خود را در تمام سطوح حاکميت ملی ، از دست نخواهد داد . نمايندگان احزاب غیر کمونستی در دستگاه دولت ، ظرفيت های مشخصی را اشغال خواهند کرد ولی در هر صورت ثرائين بزرگ و اساسی قدرت از قبيل دفاع ، پوليس مخفی و وزارت خارجه در دست حزب حاکمه قرار خواهد داشت .

اعلاميه تاريخی ماه نوامبر دولت کابل راجع به برگزاري لويه جرگه (که اسمبله ملی مخصوص خود افغانها است) که در آخر سال ۱۹۸۷ دائر گرديد ، جالب توجه است . هدف برگزاري اين لويه جرگه ، تصويب قانون اساسی جديد و انتخاب رئيس جمهور افغانستان است . ولی از طرز ترتيب اين لويه جرگه چنين استنباط گرديد که ماهيت تايه رابری را داشت . چنين می نمايد که اين لويه جرگه مودلی از شورای عالی اتحاد شوروی باشد که قدرت اساسی در واقع امر در دست بيروی سياسی حزب کمونستان کشور قرار دارد .

تقریباً تمام نمايندگان لويه جرگه ، اعضای حزب ديموکراتيک خلق افغانستان و يا مامورين بلند پایه حکومت بودند که در تمام شهر ها و قصبات تحت کنترل شديد حکومت انتخاب گرديدند . ده فيصد ديگر ، وکلای لويه جرگه ، اعضای جبهه ملی پدر وطن و سازمان های طرفدار دولت را تشکيل میدادند . جالب توجه است که اردو وقوای هوایی یکصد و پنجاه نماينده درين لويه جرگه داشتند . درين صورت در بين اسمبله مردمی ، برای مخالفين رسمی حکومت ، محل خالی وجود نداشت . در عين زمان ، جنگ در مملکت ، بگونه سابق جريان داشت و سطح فعاليت مجاهدين در سال ۱۹۸۷ با وصف اعلام اتش بر رزم کابل عملاً (ص - ۳۸)

به افغانستان کی د روس ...

د جگړې اولنی هدف او مقصد دی ، کوم چه به لوی وطن یا لوندکی جگړه کښی په کار اچول شوی دی .

(روسیان) د شپې له خوا به حمله کښی د نژدی مخه نړندی مښکښی استعمال وی . دا حملی د روس د بغوانو جگړو په شکل او تصور کړی شوی تاکتیک چه په غرنیو علاقه کښی کامیابی دی ، کوم چه روسی عسکرو ته د ور دننه کیدو موقع به لاس ورکوی . د ښمن چال چلن او تډ راتگ مخنګه چه یواځی په سرک او یا نږدنیو غرنیو لپارو او رونو پوری مربوط دی نو د حملی مخه د بچ کیدو چانس ډیر لږ دی ، خو له بلی خوائی پتی حملی تیزی کړی دی . بوتی ، ونی ، تکی او غونډی د جگړی او حملو د باره ښه زمینه برابروی . په هر شان د دریو و کلونو جگړی په اوږد ډول روسیان په دی طریقہ تاکتیک کښی هېڅ کامیاب نشو . د څه وخت مخه چه جنگ شروع شوی دی ، د شوروی عسکری مطبوعاتو به پټو حملو او په متقابلہ حملو زور اچولی دی ، لیکن د کوم څه چه د سره ستوری (Red Star) به صفحو کښی توصیف شوی دی ، اکثر د افغانستان په غرنیزو سیمو کښی به نظر نه راځی .

د دی حملو عملیات عموماً د هیلیکاپټرو په واسطه سرته رسی ، او یواځی دا نه چه د پیاده فوځ په دی کښی برخه واخلی بلکه د زره دارو قوی عمله هم به دی کښی برخه اخلی . خصوصاً د جنوبی خوا د عمومی لیاری د قندهار کابل او کابل قندهار په مېنځ کښی روسانو محافظ فوجیان د 11 هېواتی قوی او پیاده فوځ جنگی عرادی تیاری وټرولی وی . نوی د شپې له خوا عملیات کوی څه وخت چه د مجاهدینو د سامان سوترونه به لیاره تیریزی . دا عملیات د هیلیکاپټرو د حملی نه وړاندی

سرتېری ۰ روسي چترني لرونکي عسکر هم د محافظينو د کمډ د بار ه کوزول کېږي ، خصوصاً په لري علاقه کې ، د روسيانو په حمله کونکې قوې کله نا کله د سړک په غاړه په رڼا ورځ د مجاهدينو له خوا حملې کېږي په کومه لار چې د شورويانو قافلي تيرېږي ، د سړکونو غځېد راغورځول کېږي ، او د شپې له خوا هم په نغه سړکونو په کومو چا د مجاهدينو قافلي تيرېږي د روسي عسکرو له خوا حملې کېږي .

افغانان د دې جوگه دي چه ددې قسم خصوصي روسي پوځي عملياتو متقابل جواب ورکړي . د عبدالحي د مجاهدينو قوې په کابل ولايت کېږي پوه دا قسم د روسي عسکرو چه ۴۰ - ۵۰ تنه و* د يوې مصنوعي قافلې د عسکرو په جامه کېږي په چل تبا ه کړل . پوه بله دسته چه د چتر و يه واسطه را کوز شو ، د يوې مهمانداري کميټې چه د افغانستان د ديموکراتيک حکومت د عسکرو په جامه کېږي و مخامخ شول . نغه کميټې هغوی ته وويل چه هغوی به دې باندې موظف کړي شوي دي چه تاسي اصلي هدف ته ورسوي البته هغوی مجاهدين و* ه خو صرف هغه تيريشي ئي اغوستي وي کومې چه هغوی ته د روسي او افغان ديموکراتيک د عسکرو څخه په لاس ورغلي و ي هغوی يه په قلاره نغه روسي عسکر د خپلې حملې ښکار کړل .

نورو مجاهدينو په جوابي حمله کېږي د ۱۰۷ ملي متري راکت په عمول په روسي عملياتي محاذونو حمله وکړه ، هغوی د سړک په غاړه په کومو چه روسي قافلي تيرېدې څارونکي ودرولي و* ه کومو چه د روسي لويښتک چل ښه ياد کړي و* او به نغه طريقه ئي هغوی د خپلې حملې په واسطه تبا ه کړل . خو دا وروستني چل د وسائلو د نشتوالي له کبله پير محدود

دي .

مخنیوی کول او بندول او د خصوصی عملیاتو قوه به کار اچول د روسیانو د جنگی چلونو پوه نه جدا کېدونکی کړی ده کوم چه شورویان به افغانستان کېنی استعمال وی . البته به ۱۹۸۷ کال کېنی به دا معلومه شی چه ایا روسیان دی قسم تاکتیک ته ادامه ورکوی او که یا به د کوم بل قسم تاکتیک به لټنه کېنی شی . د شورویانو دا جنگی چالونه به ډیر لوی مصرف او تاوان سره کېزی . په کال ۱۹۸۶ کېنی د مثال به ډول پټاور ته داسی راپورونه راوړیدل چه د جنگی هیلیکاپټرو ټولگی ددی څخه انکار وکړو چه د عملیاتو څخه وروستو بیرته خپلو مرکزوته راوگرځی . هغوی ته بیا د عملیاتو حکم وشو ، خو هغوی بیا به هیلیکاپټرو کېنی د کېناستلو څخه تر هغه پوری انکار وکړو چه تر څو د هغوی سره د هغوی یو خپل منصبدار به موقع کېنی حاضر نشی . نه پوهیږو چه بیا وروستو د دی عسکرو سره څه چل وشو . د جنگی هیلیکاپټرو قوه د خپل وحشیانه عملیاتو له کبله یو خصوصی شهرت لری کوم چه شوروی په سویه برابر دی . د لوگر په ولایت کېنی چه به ۱۹۸۵ - ۱۹۸۶ کېنی چه کوم ظالمانه او وحشیانه حملی وشوی هغه د نغه قوی به واسطه شوی دی . د اسی بریخی چه تر څو چه د شوروی پوځونه به افغانستان کېنی پاتی وی د هغوی خصوصی عملیات به د مخنیوی کارواشی به شکل جاری وی .

اهمیت سوق الجیشی واخان

تربیه می شود . زردالو یگانه درخت با ثمر این منطقه بشمار میرود . حیوانات خانگی واخان عبارت است از غر گاو ، اسب ، الاغ ، بز ، گاو ، شتر باختری و گوسفند گدی . وسيله رفت و آمد عقب افتاده است ، دهلېز واخان با شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان ، با سرك خامه تا قلمه پنجه امتداد دارد ، باقیمانده با حیوان سواری و پای پیاده می توان بر خطوط باریك با دهكده ها رفت و آمد كرد . خدمات اجتماعی از قبیل تسهیلات محلی و عرفانی محدود و ناچیز است .

منطقه زراعتی و قابل آبیاری واخان افغانی در شمال و شمال خاوری وادی نریای سرحد واقع و قسمت بزرگ کوهستانی پامیر را تشکیل میدهد و بخش های کلان آن در تاجکستان شوروی و سنکیانگ چین قرار دارد . پامیر کلمه ترکی خوقندی و بمعنای صحرا است . ولی منطقه مذکور بصورت عمومی صحرا نبوده ، بلکه بر اثر اقلیم نامساعد کم نفوس است . پامیر ها از مناطق مرتفع وادی های هموار که میان کوهها واقع شده تشکیل گردیده ، چراگاه مردمان قرغز محسوب می شود . خصوصیت فزیدکی پامیر همانا بلند بودن آن است . اقلیم پامیر خشك و بری است و د و - موسم دارد . زمستان - بهار و تابستان . زمستان بسیار طولانی است چنانکه از اواسط سپتامبر تا جون دوام می کند ، سرد و شدید است . حرارت منفی ۵۰ درجه فارن هایت پایان می افتد . ولی یخبندان صبح تا ماههای تابستان ادامه می یابد . مقدار باران سالانه از ۶ تا ۱۲ سانتی متر اندازه شده و فصل نمو نمای نباتات کوتاه است چنانکه از ۱۲۰ تا ۲۰۰ روز دوام می نماید . سبزی کمتر وجود دارد زیرا قسمت بیشتر زمین سنگلاخی است . درختان بید کوتاه ، سپیدار ، خار آبی در

امتداد ساحل دریا که ۴۰۰۰ مېتر ارتفاع دارد می روید . از بوتسه بحيث هیزم و غذا حیوانات استفاده می شود . گوسفند مارکوپولو ، بز گرگ ، خرس نسواری ، موش خرماي کوهي و خرگوش از حیوانات وحشی و اخان محسوب می گردد ولی گوسفند ، شتر باختری حیوانات مشهور اهلی و اخان است . فیل مرغ تبتی ، باز برفی ، عقاب و یرندگان کوچی و تعداد کم مرغان ابی ترین منطقه بودو باش دارند . بروت و ارتفاع زیاد از موانع بزرگ این سامان بشمار میرود . شبکه مواملات محدود و رفت و آمد بسیار خطرناک بوده ، راهها در امتداد ساحل دریا امتداد دارد . راه های پامیر خورد را به سختی میتوان پیمود : (ادامه دارد)

باسخ تازه به يك ...

و به افزایش گذاشت . از خلال گزارشهای واسله بر می آید که در ماه های زمستان اخیر ، جنگهای شدیدی از طرف مجاهدین ، در ولایات هرات بوزجان ، لوگر و پکتیا برآه انداخته شد . همچنان گزارشهای تائید شده ، اشعار میدارد که مقادیر زیاد سلاح پیشرفته و مطلق از قبیل ستینگر امریکایی و راکتهای ضد هوایی انگلیسی بلو پایب و توپهای جدید و راکت زمین بزمین ۱۲۲ ملی متری چینی ، در کمین گیریهها ، خیلی موثر واقع شده و چنین می نماید که جنگ لایتناهی ادامه خواهد یافت .

مخالفت مردم شوروی با نبرد ...

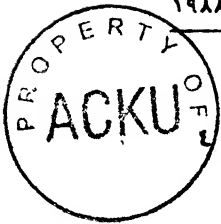
وزیران ایالت بیلو روسین شوروی در مقاله ای که اخیراً در پراودا به طبع رسیده اظهار می دارد : " به تعداد شصت هزار خانواده تا حال در آن جمهوریت در دست منتظرین ابارتمانهای مسکونی ثبت شده که منجمله دو هزار و پنصد فامیل را ورثه عساکری تشکیل میدهد که در جنگ وطنپرستانه با آلمان نازی کشته و یا معیوب شده اند .

در حقیقت جنگ افغانستان وضعی را بمیان آورده که در آن دو طبقه عساکر درگیر جنگ شوروی بر سر مفاد اجتماعی که اصلاً عاید خیلی ناچیز است علیه هم دیگر تحریک شده اند و در نتیجه خشم و ... عساکر کهین سال را نسبت به عساکر جوان و بالاخره آتش انزجار عامه را نسبت به کافه نظامیان برخواهد افروخت .

خواهد ناراحتی های داخلی از گذارشاتیکه خبرنگاران از صحنه نبرد فرستاده اند بخوبی اشکار است . طرق جدیدی که برای راپور گذاری به کار انداخته شده از سه مقاله که "ارنم بورووک" "پسر جنریک بورویک" تن از سیاستمداران و نویسندگان معروف و رئیس کمیته امنیتی شوروی نگاشته است هویدا شده میتواند . این مضامین که بطور مسلسل در اوگونک به تاریخ ۶ جولائی به نشر رسیده خوانندگان شوروی خود را از تفصیلات ناهنجار جنگ خوبتر آگاه می سازند . نظر بوروویک با نظریات ومقالات دیگریکه توسط بعضی از نویسندگان و مبصرین در روزنامه ها به چاپ رسیده متفاوت است . بنظر وی عساکر شوروی در افغانستان از جنگ خسته شده و آرزویی جز بازگشت به خانه های شان را ندارند . یککسی از عساکر جوان در حالیکه به کوه سفید هندوکش می نگرد می گوید " اگر ده لغت روی یخ بر فراز هندوکش بسازند باز هم برایم اجازه نیست

زلفستان .. مطبوعات خفتاب

شماره دوازدهم سال دوم حوت ۱۳۶۶ - جمادی الاخر ۱۴۰۸ - فروری ۱۹۸۸



فهرست مطالب

- | | |
|---|---|
| انتونی هایمن
ماهنامه انکوائری
سامبر ۱۹۸۷ - لندن | ● پاسخ تازه به یک زخم
خونین |
| ۷ داوید اسبی
د فري افغانستان مجله
اومه گنه - منی ۱۹۸۷ | ● به افغانستان کی تروس
د خصوصی عملیاتو قوه
او بعضی مخنیوی |
| ۱۱ فهمیده اشرف | ● اهمیت سوق الجیشی
واخان |
| ۱۵ آرون تری هب
نشریه رادیو فري یوروپ
اول نوامبر ۱۹۸۷ | ● مخالفت مردم شوروی با
نبرد در افغانستان |
| ۱۹ مارک اوزبین | ● نیروهای کوهستانی
مجاهدین |
| ۲۳ از نشرات مخالفین شوروی
در اروپا | ● فاجعه
مواجهه با سرباز فراری
شوروی |
| ۲۹ سویس برس ریویو
۲۵ جنوری ۱۹۸۸
سویس | ● افغان با کمونست |

تا قدمی به اینجا بگذارم .

گرچه بوروویک ، فرق بین جنگ افغانستان و جنگ ویتنام را بکلی رد کرده به حواله از قول میخایل هیرزورنالست امریکایی خاطر نشان می سازد که با گذشت سال ۱۹۷۷ میلادی طرز بیکار کلاسیکی بکلی از بین رفته است .

این چنین هماهنگی فکری درین مورد میان هر دو ژورنالست موصوف قابل توجه است بدین معنا که هیر از نقشه سابق فرانسه و هندوجیـــــن توضیحات داده است و بوروویک نقشه مطبوعه سال ۱۹۵۰ افغانستان را در نوشته های خود مورد بحث قرار داده است . همچنین هیر یک کلاه هنی نظامی را که در اولین سفر خوبه منطقه جنگ از یک عسکر کشته شده به دست آورده است مورد بحث قرار داده است و بوروویک بر جاکت یک تن صاحب منصب کشته شده بحث می کند . از طرف دیگر هیر مقاله خود را - پیرامون هلیوکوپتر قوای نظامی می نویسد و بوروویک در باره یک تن از عساکر امریکائی که در کرد شالی تحت تهاجم دشمن قرار گرفته بود در کتاب هیر به جیمی هندکس یاد اوری می کند . بوروویک بر عاکر هوایی که کمیت رود ستیوارد را قبل از رفتن به میدان جنگ می شنوند بحث نموده و غیره و غیره .

به هر صورت این اشکار است که شباهت میان جنگ افغانستان و ویتنام تصور شده نمیتواند ، مهم تر اینکه جنگ افغانستان صبغه مردمی در شوروی ندارد . نظریات مردم که درین اواخر توسط اکادمی تحقیقات جامعه شناسی و علوم ساینسی شوروی و موسسه انتعصابات فرانسوی انتشار یافته نشان میدهند که پنجاه و سه فیصد از مردم شوروی خواهان (ص - ۴۴)

نیروهای کوهستانی مجاهدین

آنانیکه پرواز هواپیما های میگ روسی را بر فراز نمکده های افغانستان ، بر تلویزیون تماشا می کنند ، نمیتوانند باور نمایند ولی اگر فرصتی مساعد شود و از نزدیک این جریانات تعقیب گردد ، آنوقت به صق موضوع اعتراف خواهند نمود .

روسها از سال ۱۹۸۰ به بعد در شمار نفرات خود ، به پیمانها قابل توجهی افزایش نه بخشیدند . فشار افکار جهان آزاد ، مانع آن شد که جنرالهای روسی ، عسکر بیشتری به افغانستان سوق بدهند . به این ترتیب روسها با ربع نیروی که امریکا در ویتنام سوق داده بود نقاط حساس کهنوری را که سه چندویتنام وسیع است ، در اختیار دارند .

اگر تعداد سربازان رژیم کابل و قوای اتحاد شوروی را با تعداد مجاهدین مشغول پیکار در نظر بگیریم به این نتیجه میرسیم که در مقابل يك مجاهد سه یا چار نفر قرار دارد . که این خود دشواریهای قوای رژیم کابل و شوروی را در برابر مجاهدین نشان میدهد و اما قوماندانسی عسکری فرانسوی که فرماندهی لشکر فرانسه را علیه جنگ های آزادیبخش الجزایر پیش میبرد تاکید می کند که در برابر يك گوریلای الجزایری ده عسکر فرانسوی مشغول پیکار می شد . بهمه حال کاهجی میی و متحدان^ن در پایگاههای نهضت مقاومت افغانها در داخل خاک پاکستان جنگ و حشتناکی را به پیش می برند که مقابلتاء هیچ عسکر روسی جان خود را از دست نمیدهد در حالیکه در داخل خاک افغانستان قوای شوروی هرگز به چنین پیروزیهایی دست نیافته است .

تعداد نفرات مجاهدین از ۳۵ هزار تا یکصد و هفتاد و پنجمزار تن میرسد که البته کاهجی و افزایش این قوت ، بیشتر مربوط به

عوامل اقلیمی است .

اگر احصائیه وزارت خارجه ایالات متحده امریکا که در طوسی سالهای اخیر نشر گرییده ، مدار اعتبار قرار داده شود ، در هرفته روسها ۴۶ سرباز خود را درین جنگ از دست می دهند . مجاهدین در مقابل قوای مداخله گر شوروی از مورال و روحیات عالی برخوردارند ولی آنها نسبتاً وقت کمتری را در جنگ علیه روسها ، صرف می کنند .

حالا که مجاهدین راکتستینگر در اختیار دارند ، به قول تحلیل گران غربی ، قدرت رزمی شان خیلی بالا رفته است .

یونت های متعدد رژیم کابل که در سرحدات پاکستان مستقر هستند نریعه هیلوکوپتر اکمال می شوند . اگر این پایگاه ها در دست مجاهدین بیفتد حکومت کابل با مشکلات فراوانی مواجه خواهد شد ولی تا حال چنین حادثه بی اتفاق نیفتاده است .

تحلیل گران امریکایی که با بنتاگون "وزارت دفاع امریکا" از نزدیک در تماس هستند ، میگویند که اگر پایگاههای مجاور سرحد پاکستان ، درین زمستان بدست مجاهدین سقوط نکند با وصف آنکه بهررفته ترین سلاح جهان را در اختیار دارند در آن وقت ، قطعاً به این پندار می رسیم که در تکنیک جنگی این نو جوانان دلاور (مجاهدین) نارسایی های جدی وجود دارد .

از خلال احصائیه ها بر می آید روسهایی که در عملیات علیه مجاهدین مصروف هستند ، خود را موفق میدانند ولی نتوانسته اند که قلب و دماغ آوارگانها که ترك وطن نموده و در دیار غربت بسر می برند برای بازگشت ، تسخیر کنند و در عین حال حمایت قاطع مهاجرین برای

بهیبرد جنگ امر حتمی و انصراف ناپذیر است و به این ترتیب چهره هائی
 بسان هوچی من و یا سراسقف غاریوس بکار است تا همه نیروها را بدور
 خود متحد و جنگ را یکطرفه کنند .

گروبهائی مجاهدین دارای افکار و عقاید سیاسی مختلفی هستند که
 از هواخواهان رژیم موجود ایران گرفته تا سلطنت طلبان و جمهوری خواهان
 را تشکیل میدهند .

به نظر بسیاری، افغانها جنگ را قبل از اینکه حزب دیموکراتیک
 خلق افغانستان نریمه روسها ، در سال ۱۹۷۸ به قدرت برسند ، آغاز کرده
 بودند و بعد از اینکه قوای شوروی از افغانستان خارج شوند ، این جنگ
 ادامه خواهد یافت .

کوشش روسها برای ایجاد يك حکومت طرفدار شوروی با ابعاد
 گسترده تاکنون با موفقیت قرین نبوده است . هرچند رژیم کابل از بیشترت
 هائیکه می زند مثلاً رژیم ادعا می کند که در موقع مداخله نظامی
 روسها در افغانستان تعداد اعضای حزب پیش ازینجهزار (۵۰۰۰) نفر نبود
 ولی حالا بقرار ادعای حکومت کابل شمار اعضای حزب به یکمصد و پنجاه
 هزارتن میرسد ولی فکر می شود که این رقم خیلی مبالغه آمیز و بر از
 اغراق است ، در حالیکه قوای امنیتی رژیم کابل که در سال ۱۹۸۰ به سی
 هزار نفر بالغ نمیگردید خیلی کاهش یافته است . ولی حالا بقول دیپلوما
 های امریکایی مقیم کابل ، تعداد این قوا به یکمصد و بیست هزار تن
 بالا رفته است .

چنین می نماید که رژیم کابل در سال ۱۹۸۶ زمانی به موفقیت
 چشمگیر نایل شد که يك قوای دوازده هزار نفری به زور پایگاه معروف

مجاهدین حمله کرد . زور در جوار سرحد پاکستان قرار دارد . بمسد
ازین واقعه بود که راکت زمین به هوای معروف ستمنگر در اختیار
مجاهدین قرار گرفت . شاید از همین رهگذر باشد که گوریاجف از تصمیم
حکومت اتحاد شوروی دایر به اخراج قوای آن کشور از افغانستان مکرراً
صحبت می کند .

هرباری که وی دم از خروج نیروی شوروی از افغانستان میزند
ناگزیر است راجع به افغانهای که از رژیم حمایت میکردند و اکنون
در میان اکثریت عظیم مردم مخالف شان گذاشته می شوند ، سخت
احساس نگرانی نماید .

مخالفت مردم شوروی با نبرد ...

هرچه زودتر خروج قوای شوروی از افغانستان می باشند بویژه نامه های
که هفته گذشته در پراودا به نشر رسیده است مشعر است که جنگ
احساسات مردم را در داخل شوروی کاملاً مجروح ساخته است و وسایل خشم
و نفرت مردم را بیشتر کسانی فراهم می سازند که از امتیازات بـ
خصوص برخوردار می باشند . رهبران شوروی به این حقیقت پی برده اند
که جنگ محدود در خاک بیگانه برای هم اهنگی ملی خطیر تر از جنگ
خونین است . آنها اشتراك مستقیم امریکا در نبرد ویتنام را برای
خویشی درس عبرت می دانند .

تاسیسات ما هم حمله صورت میگرفت . یگان وقت چیزی را به قسم مبین انفلاق می دادند و بعضی اوقات با سلاح دست داشته * خود حمله می کردند و با روس ها را ترور می کردند . و یگان وقت بقسم گروگان می گرفتند و حتی کسانی را که برای کار در تاسیسات می فرستادند ان ها را هم ترور می کردند .

س - بصورت دقیقی گفته می توانید که چطور بر ضد مردم بی طرف و بی دفاع قریه جنگیدید و از کدام تکنیک ها استفاده می کردید ؟

ج - تکنیک برای عملیات سرکوب کننده تماما * یکی است . وقتیکه ما داخل قریه می شدیم تمام اغخاص را که مشکوک بودند تیر باران می کردیم اغخاص مشکوک عموما * مرد هایی بود که توان مبارزه را علیه ما داشتند . همزمان ، تمام مردمی که حالت خارجی ان ها (لباس ، سر و وضع) مشکوک بودند از بین برده می شدند . بطور مثال مرد هایی که مانند زنان چادر می پوشیدند و روی خود را توسط نقاب می پوشانند ، و به این قسم خوبتر بت می شدند . و اغخاصی که کوشش می کردند فرار کنند و یا کوشش می کردند که از ما بت (مخفی) شوند در همان جا انها را تیر باران می کردیم . و این خواست را قبل از عملیات برای ما تشریح می کردند .

س - یعنی ، در وقت تحصیل " تعلیم و تربیه نظامی " این تعلیم نامه ها را برای شما دادند ؟

ج - آه بلی - تعلیم نامه در اخیر امر نظر به این که برای شما گفتم بسیار زیاد بود ولی بطور مثال در وقت عملیات گرفتن اسناد و یا شناسنامه ها ، کارت و یا تذکره * شناسائی خود اجازه نبود ... من در باره عملیات ها به طور عمومی گفتم ، ولی اگر در مقابل ما از قریه ها

کدام مقاومت مسلحانه معلوم می‌شد . واقعا در اکثر اوقات در قرا و قصبات هر کس که پیش می‌آمد تیر باران می‌گریید یعنی قتل عام صورت می‌گیرد دهات "قریه" افغانستان کاملاً با قریه‌های (دهات) ستونهای ما متفاوت است . از همه اولتر ، عموماً جمعیت آن‌ها زیاد است ، خانه‌ها در قریه متعل یک دیگر اعمار شده ، کوچه‌های تنگ و پرخم و پیچ ، از گن ، همراه خانه‌های کاه گلی است و داخل حویلی اعمار شده ، و در آن جا مشکل است که موقعیت خود را دانست ، و هیچ وقت کسی نداند که از زاویه "چار راهی" دیگر راه کی منتظر است . همیشه باید انداخت گردد ، اگر مردم باشد یا نه باشد ، به این مربوط نیست . قبل ازین که در کدام پس‌کوچه و یا کدام حویلی خانه داخل شوی ، باید از کدام کنج و کناری یک ضربه کنی و بعداً داخل شوی و به همین ترتیب هنگام تلافی خانه‌ها ، اولاً باید ضربه شوی و بعداً خودت داخل شوی ، باز هم گمان نمی‌رود که در قریه زندگی بی‌خطر باشد نمد مجاهدینی ، قریه خود را نجات می‌دهند که از قریه خود دفاع کنند . وحشتناکتر از همه آنکه در هنگام حملات بسیاری جو و جیپا و ل و وحشی‌گری‌ها را شروع کردند ... و درین واقعه طوری معلوم می‌شود که بعضی‌ها رای این هستند . بعضی اوقات حالتی بالای ما می‌آمد که پیشروی مرگ در عقب مرگ ، انداخت مسلسل ، خودت شروع می‌کردی ، مثلاً که عقل خود را گم کرده باشی ، طوفانی وحشتناک مثل برای عجاجت غص خود داد می‌زد و فریاد می‌کرد . این همه حالات تو را به حالت وجد می‌آورد ، و به کلی بی‌اختیار می‌شدی . و در بلره هیچ چیزی فکر نمی‌کردی و فقط انداخت مسلسل .

س - آیا قریه^{*} است، که در آنجا محاربه صورت نگیرد، حائیکه زندگی در آن جا کمی نورمال باشد؟

ج - هست! آن ها مطیع هستند ولی مکمل خالی، قریه ها از بین رفتن است و بالای آن ها کوشش می شود که خانه ها اعمار شود اما هیچ به کلخوز ها و سلخوز ها نمی ماند. در آن جا زن ها مانده اند و یگان مرد های سالخورده، در این قریه ها بکلی زندگی از بین رفته ... ما همراهی زندگی روستائی کم برخورداریم، از خارجیکه فعالیت ما به این فضاها ربطی نداشت س - به عقیده تو چطور می توان به این نعمت در افغانستان خاتمه داد؟ برای این هدف چه باید کرد؟ و چطور کمکی برای آنها لازم بود؟

ج - ظاهراً بایستی یک نوع کمک برای افغانها جهت مبارزه به خاطر حفظ خاک خود میشد ولی باز هم هیچ چیزی حل نمی گردد. اگر مهادینه تسلیم و افغانها برای روس فروخته شوند درین حالت این مردم تماماً یک برابر ویران می شوند.

س - گفته می توانیم که افغان ها مثل دیگر ملیتهایی که زیر قدرت روس هستند ویران می شوند؟

ج - البته، ضمناً آنها از بن سبب مذهب را نسبت به ملیت ترجیح می دهند اشغال توسط روس، در هیچ صورت نمی تواند ادامه پیدا کند.

س - اگر آنها چنین آینده داشته باشند آیا بیروز می شوند؟

ج - آن ها اراده بسیار قوی و حیرت آور دارند، و عملاً ایشان را نمی توان شکست داد، مقاومت تا وقتی دوام خواهد کرد، که افغان ها کاملاً از بین بروند ازین خاطر مبارزه در افغانستان فقط خون است.

- اکنون در باره دو حالت دیگر. در افغانستان واقعا کیه

حون ریزی زیباست . طوری که تو همین حالا گفتی ، و به همین خاطر
از تو تعهد نامه گرفتند که بعد از سیری نمودن دوره عسکری و قایم می
که در افغانستان رخ می دهد ارزیابی نکنی و این همه اطلاعات را منتشر
سازی . تو که آماده اشتراک در مصاحبه بودی ، چطور ارزیابی می
کنی ، که خاموش ساختن افغانستان امکان ندارد ... تو همراهی خود و رق
های را آوردی ، طوریکه و

- بلی ، حتی ۱۹ ورق .

- در احیر امر درست است ، حتی ... و با تعجب فراوان من دیدم
دو عدد آنها در لسان لیتوکی و یکی در لسان استونیائی است . در آن از -
ما خواستند که زمین و قریه افغان ها را نوزانید . این برای من
دلچسب است ، آیا از تکتیک " سوختادن زمین ها " استفاده نکردید ؟
مثلی که در این باره چیزی نگفتی .

- من درین باره دو دفعه اشاره کردم . در دفعه اول ما همراهی قریه
های کار داشتیم که علت مقاومت ما نتوانستیم در آنجا برویم ... و لئو
مزارع را سوختاندیم ... و در واقع ما همراهی قتلای های کوچک کار داشتیم
دلگی متر ما يك ادم بسیار بی غرم و جاهل بود و مزارع را می سوختانند .
و امر هم می کرد که مزارع سوختانده شوند . و امکان داشت که چیزی از
افغان ها مخفی گذاشته مرد . او واقعا يك ادم خشن بود و تیپ زشت داشت
حتی او در وقت بحرانی و خونین ظلم و جبر مسخره گری میکرد . از تمام
مادون های خود ظلم و ستم آرزو می کرد و وقتی که به کدام طرف بسرا می
عملیات روان می خدیم او برای ما الهام می داد و می گفت ((بیاید
تروریست ها ! بکنید فاشیست ها را !)) او بر ضد تمام بلوک ما بود .

و هیچ کسی او را برداشت کرده نمی توانست . همین قسم بود در شروع که من در اداره " نظم " او افتادم . در همان بهار ما به نزدیک کندهار رفتیم ، همان وقت که در افغانستان بخاطر سال نوجوشن بود . او در همان وقت از روی ساعتیری يك بچه خورد سال را تیر باران کرد . طوری که او نوشابه می فروخت ... دلگی من را می خواست که صندوقی را که در آن اغیارا گذاشته بود بگیرد ، در آن صندوق این بچه خورد سال بوتل ها را حمل می کرد . او را بیرون آورد ، اولاً او را دشنام و فحش گفت دلگی من هر چیزی را که خواست گرفت ، ولی طفلك غضبناك شد و خواست فریاد بزند ، همان وقت دلگی من او را تیر باران کرد .

س - البته توسط همین قسم اشخاص و عملیات ها افغانستان را اشغال کردند؟
ج - البته ... توسط همین ، طوری که مادون های خود را تروریست می سازند .

س - تعداد عساکر اشغال گر بکدام اندازه بود ؟

ج - می گفتند که عساکر اردوی روسی ۱۵۰ هزار نفر می باشند ولی ، بطور مثال در راه کابل - جلال آباد قطار های موتر را حمایه می کردیم و مدافعه را بلغاریایی ها پیش می بردند .

س - از کجا شما دانستید که این ها بلغاریائی ها بودند ؟

ج - ما ندیدیم که این ها نه افغان بودند و نه از عساکر ما . ما می توانستیم که از آنها سوال کنیم و گب بزنیم . لسان بلغاریایی مانند لسان روسی است . این کسانی را که من گفتم در آخر سال ۱۹۸۲ دیدم .

س - می خواهم که بار دیگر در باره شب نامه ها از تو سوال کنم ، بطور تو در مقابل این شب نامه ها برخورد کردی ، آیا آنها تاثیری داشتند ؟

پاسخ تازه بیک زخم خونین

با حلول نهمین سال جنگ شوراییهای حل مساله افغانستان که نجات از آن را کریملین ساده حساب میکرد ، روشنتر شده می رود . مگر بیوخته انجا میکنند که از افغانستان خارج میشود ولی البته به گونه ای که خود میخواهد ، و تا وقتی که این مامول برآورده گردد ، چنین می نماید که جنگ ادامه خواهد یافت .

انتونی هایمز نویسنده معروف انگلیسی که در مورد مشکلات افغانستان نظر عمیق دارد و آثار متعددی درین باب نوشته است قضیه را این چنین بررسی می کند .

برای برخی از ناظران سیاسی دورنمای حل مساله افغانستان هیچگاهی رو به بهبود نبوده است . علایم مشخصی موجود است که اتحاد شوروی تصمیم دارد ۱۱۰۰۰۰ سرباز خود را از افغانستان ، خارج نماید و به این ترتیب به کاهش حیثیت بین المللی این کشور که از سال ۱۹۵۰ به اینطرف منجر شده ، پایان بخشد . ولی برای حل سیاسی این قضیه و

افغان یا کمونست

ندارد که امکان خروج بدون قید و شرط شوروی از افغانستان میسر است
این تصمیم با مدورفرمان در کریملن عملی می شود و این مغایر سوابق
تاریخی شوروی نیست تا دوستان خود را در برابر منافع سیلی از کسف
بدهند . وضع روشن است روزی که شوروی از افغانستان خارج شود ، مجاهدین
مارش کنان به افغانستان بر خواهند گشت . اگر شوروی بخواهد دوستان
خود را نجات بدهد ، باید آنان را با خود انتقال بدهند ورنه در کابل
حوی خون جاری خواهد گشت .

مجاهدین از افعال خوست بدست نیروهای شوروی صدمه ای فراوان -
دیدند . مجاهدین می بندارند که تلاشهای صلح و آشتی شوروی مافور های
برای کمائی کردن وقت است ، مجاهدین به سلاح ها و معیقات اشد ضرورت
دارند . آنان امید وارند که دوستان آنان در عرب بایشان درین راه
مساعدت خواهند کرد و در جهت اعاده آزادی افغانستان مالدانه تلاش
خواهند ورزید .

ناجیه

ج- - شخصاً خودم آنها را نیافتم ، ولی دوست لیتوانیائی من ، طوری که
در باره اش گفتم او چند دانه گرفت که يك دانه آن را برای من داد .
او خواست که ورق شب نامه ها را با خود بگیرد و به لیتوانیا ببرد .
شب نامه هایی که در لسان استونیائی بود برای من يك حالت فوق العاده
ایجاد نموده و احساسات مرا تحریک می کرد .



افغانستان

فی الصحافہ العالمیہ

مجلہ شہریدہ لانعامات الجہاد الافغانی

فی الصحافہ العالمیہ

MONTHLY MAGAZINE, WHICH REFLECTS THE IDEAS AND OPINIONS OF
THE PRESS AND WORLD PERSONALITIES ABOUT THE RIGHTFUL JEHAD
OF THE AFGHAN PEOPLE.

EDITOR : Prof. Dr. Sayed Mohammad Yusuf Elmi

ADDRESS : Post Box 417 G.P.O. Peshawar, Pakistan.

ANNUAL SUBSCRIPTION:

Pakistan : Rs. 30

Abroad : US\$ 10

Per Copy : Rs. 3

Bank Account No. 649

Habib Bank Ltd.

Cannt. Branch

PESHAWAR.

AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE is an independent and nonaligned Centre. In order to fulfill its obligations, will accept financial assistance provided it does not compromise in any way its independence.



Afghanistan

In The

World Press

Publication Organ: AFGHAN JEHAD WORKS TRANSLATION CENTRE

No.24

2nd Year

February 1988

CONTENTS

1. NEW RESPONSES TO A BLEEDING WOUND.

Anthony Hyman
INQUIRY
Vol.4 No.12
December 1987

2. SOVIET SPECIAL OPERATIONS FORCES IN AFGHANISTAN: THE INTERDICTION MISSION

David C. Isby
FREE AFGHANISTAN
No.7 Autumn 1987
U.K.

3. THE STRATEGIC WAKHAN

Fahmida Ashraf

4. OPPOSITION IN THE USSR ON AFGHAN WAR

Aaron Trehab
RADIO FREE EUROPE/RADIO LIBERTY
1 Nov. 1987

5. STALEMATE IN THE MOUNTAINS

Mark Urban

6. ТРАГЕДИЯ

(Интервью с эстонским солдатом,
служившим в Афганистане)

АФГАНИСТАН В ОГНЕ

Документы и свидетельства о войне в Афганистане

7. AFGHAN OR COMMUNIST

Swiss Press Review and News
Report
Vol.XXIX No.2
25 January 1988
Switzerland

برقراری صلح هنوز يك سلسله دشواریهای وجود دارد . چنانچه بمسئله از آخرین دور مذاکرات ژینو که تحت سرپرستی ملل متحد بین نمایندگان افغانستان - پاکستان صورت گرفت هیچگونه تحول مثبت و مهمی در اوضاع و شرایط این ساله رخ نداده است .

پیکار طولانی مردم افغانستان ، علیه اشغالگری نیروی شوروی از نیروی ایمان و علاقمندی شدید به آزادی و استقلال که به آن مباحثات می کنند ، الهام گرفته است .

کشور بگونه وحشت ناکی ویران گردیده و اضافه از ثلث جمعیت مملکت ناگزیر به مهاجرت گردیده اند . ولی با وصف آن مجاهدین در برابر يك ابر قدرت جهانی از سال ۱۹۷۹ به اینطرف مقاومت می کنند که راه های کوهستانی دشوار گزار و حمایت قاطبه مردم ، الهام بخدا این مقاومت می باشد .

مانند هر جنگ گوریلابی دیگر ، انتقال سلاح و مهمات و حفاظت از پایگاه ها در امتداد سرحدات ایران و پاکستان همیشه ، فعال نگه داشته شده است .

تنظیم های مجاهدین مستقر در پاکستان تحت محتاج کمک نظامی و مالی کشورهای بیگانه که در رأس آن ، ایالات متحده امریکا - عربستان سعودی و جمهوریت مردم چین قرار دارد می باشند .

جهاد مجاهدین افغان ، توجه محافل بین المللی را به خود جلب کرده است . پاکستان و ایران که درین جهاد در شمار کشورهای مقدم قرار دارند ، اگر سیاست شانرا ، تغییر بدهند خطوط حیاتی مجاهدین آسیب پذیر می گردد .

بهبود مناسبات بین دو ابر قدرت جهان ، ایالات متحده امریکا و اتحاد شوروی و عقد موافقت روی تحدید سلاح هستوی ، میتواند جنگهای مجاهدین را که با سلاح مدرن پیوسته ، موثر تر شده می رود ، دچار ضعف و فتور بگرداند .

جنگ خستگی ناپذیر و قهرمانانه مجاهدین افغانستان ، اضافه از هشت سال ناظران خارجی را به شگفت و حیرت واداشته است . تحت زعامت گورباچف ، مداخله نظامی شوروی در افغانستان ، بالاخره به حیث " زخم خونین " قبول شده در حالیکه از طرف دیگر ، این مداخله را جزو وظیفه بین المللی شوروی قلمداد می کند .

با وصف تبلیغات گسترده و وسیع که ذریعه رسانه های گروهی شوروی صورت میگردد باز هم مداخله نظامی آن کشور به افغانستان ، از همان آغاز مرحله مورد قبول مردم شوروی نبوده است .

با در نظر داشت روحیه سیاست " سرکشاده " گورباچف ، اخیراً ذریعه يك تیم مشترك فرانسوی و روسی ، افکار عامه مردم شوروی " در مورد جنگ افغانستان ، بصورت سهیل خواسته شد نتیجه ای که اخیراً ازین رای گیری بدست آمد ، نشان میدهد که ۵۳ فیصد مردم شوروی اخراج کامل قوای ان کشور را از افغانستان تقاضا می کنند .

مسکو میخواهد قوای به اصطلاح محدود خود را از افغانستان بیرون بکشد البته با شرایطی که خودش میخواهد . برین جا روسها دو هدف مختلط اقتصادی و سیاسی دارند معزدا ، نگرانی اصلی شان را ستراتیژی امنیتی تشکیل میدهند .

در آغاز مداخله ، روسها امیدوار بودند که يك منگولپای خارجی
(ص - ۳۰)

دیوید اسبی

په افغانستان کی دروس دخصوصی

غلیاتوقوه اود هغی مخنیوی

افغانان او غربیان دواړه بدی عقیده دی چی د روسی د خصوصی
عملیاتو (تاکتیک) د ۱۹۸۴ مخه را په دی خوا په ټول افغانستان کبی
خپور شوی دی د ۱۹۸۵ مخه تر ۱۹۸۶ پوری ددی (تاکتیک) استعمال نور
هم زیات شو او ورسره روسی په دی خبره ټینگار کاؤ چه باید د جگړی
مخنیوی وشي . ددی چلونو د استعمال راپورونه د ۱۹۸۴ نه د ۱۹۸۶ پوری
په حقیقت کبی په دومره پراخه ساحه باندی رارسیدلی دی چه ددی خبری
شاهدی کوی چه دا (تاکتیک) غالباً یواخی په سبتسناز (جنگلی
هلیکاپترو) چه په ټولگو پوری محدود ندی ، اوله دی کبله
د غربیانو د سختی توجه وړ گرځیدلی دی . بیا هم دا قواوی په اصل
کبی عملیاتو په غایو لوی ملاتړی دی . ددی راپورونو مخه دا معلومیږی
چه د غوروی تاکتیک په حقیقت کبی په افغانستان کبی لا نور پی هم قوی
کیزی . لکه د مثال په دول ، الجزایر او ویتنام ، برخلات ددی ، غوروی
په افغانستان کبی اصلاً به منظم توگه د مخنیوی د باره په جگړه ټینگار

نه کاو - د ۱۹۸۳ نه تر مخه او د ۱۹۸۴ تر وروستو وختو پوری د شوروی کوشن د مخنیوی د باره حقیقتاً چه پوځه نه څه و* خوبیا هم محدود و پيرو لويديزوزر نالستانو څوکه چه تر څه اندازی به دی کښی بریالی شوی دی چه د افغانستان دننه سفر وکړی ، دا خبره به گوته کړی ده چه د روسانو د نغه محدودیتګ اندازه د جګړی د مساوی رفتار په اندازه ده. د ۱۹۸۳ په پای کښی او د ۱۹۸۴ په لومړیو وختو کښی دا فیصله چه د مخنیوی د باره کوشن زیات شی او به خصوصی پوځی عملیاتو زور و اچول شی ددی خبری به نتیجه کښی وشوه چی د روسی پوځونو کړه وړه د ۱۹۸۳ او ۱۹۸۳ تر اخیر و پوری پیره محدوده وه ، او امکان لری چه ددی نتیجه هم وی چه د افغانستان به دننه کی مقاومت قوی شو .

شوروی په ۱۹۸۴ کښی به خپل دی مرام کښی بریالی شو چه پنجهیر فتح کړی . د مجاهدینو نورو قوی سګرونو هم دا ثابتہ کړه چه هغوی د روسی پوځونو د مقابلې قدرت لری . د مخنیوی پروګرام باید ددی کار نښه واری په غاره اختی وی چه به څه طریقه د مجاهدینو مرکزونه کمزوری کړی . د مجاهدینو پرلپسې حملو په کابل باندی په تیره بیا چه د افغانستان د خلق دیموکراتیک پارتی ، د جنوری ۱۹۸۵ کال کلپزه نسی وړانہ کړه ، شوروی ته دا ثابتہ کړه او ورسره دا ویره پیدا شوه چه هغوی به خپل عملیاتو ته تر هغه دوام ورکړی تر څو چه به هغوی وسله او غله بنده کړی .

د شوروی د ۱۹۸۵ د مخنیوی مقابلې په اجزاو کښی ځانګړی پوځی ټولګی او هوایی حملی او به تیره بیا د ښی مسلسل حملی د بیلګا بټرو په واسطه شامل وی . دا عملیات د پو برجسته (رازویدکا) د لیاری

صفا کونکو ټولګو ، جنګي طیارو ، محافظینو او خاد له خوا رهبري کېدلی . د یو امریکایي ژورنالت ، چارلس تارنټسن وژل کېدل ، داسې معلومېږي چه دېشې د هېلیکاپټرو او ځمکنۍ پوځ د عملیاتو په نتیجه کې غوی وی . غوروی دا قسم مخنیونکي حملې د افغانستان په دننه د مقابل لوري د سختو حملو په مقابل کې کولی .

د غوروی مخنیونکي جنګ ، د خصوصي پوځي عملیاتو په استعمال ټینګار کړی دی . د مخنیونکي جګړې ابتدائي کار په ۱۹۸۴ - ۱۹۸۶ د دی قواو له خوا وشو . دا د غوروی د مخنیوي تاکتیک د استعمالو پیر زیاته مهمه برخه وه . د پغه ډول جګړو پیرو حملو خصوصي وشتونکو سامانو ته اړتیا لرلوده ، په کوم کې چې باید ډیر علمی (رازویدکا) لیاري صفاګونکي ، جاسوسان په معمول د خاد د نمایندګانو ، هوايي ځواکونو ، مخابراتي ځواکونو او پیاوړه محافظین شامل وی ، د کوم گوزار به چه د یوې مشترکې عسکري حملې د مانور د وار څخه پیر سخت وی . دا خصوصي عملیاتي قوه به همیشه دا کوشن کولی چه د مجاهدینو ، معاجرینو او یا قافلو که د موټرو وی او که د غرو قېرو چه افغانستان ته راننوي او یا خارجېزي حملې وکړي .

دی قسم حملو د ۱۹۸۴ - ۱۹۸۶ په جګړه کې یوه خاصه بڼه اختیار کړه ، او عامې غولې . په ۱۹۸۵ کې یو امریکائي ژورنالت چارلس تارنټسن د دی قسم یوې حملې ښکار شو . په ۱۹۸۶ کې امین وردک د وردکو د ولایت یو پیاوړی قوماندان په دی حمله کې ډیر لږ بچ شه حال دا چه دده نور پیر ملګري ووژل شول . ددی حملو څخه پرته د خصوصي عملیاتو قوی کولای شول چه د اور قوه ، هوایي او توپخانه د مخنیوي په جګړه